

## کارکرد مرزها و جهانی شدن

حیدر لطفی

استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار

محمد حسین اقبالی زارچ<sup>۱</sup>

دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۱/۳/۱۶

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۱/۰۱/۲۰

### چکیده

علم جغرافیا یکی از مباحث وسیع علوم است و دارای جنبه‌های مختلفی است که یکی از شاخه‌های مهم این علم در حال حاضر جغرافیای مرز است. که بیانگر مهم‌ترین عامل و جدائی یک واحد مشکل سیاسی از واحدهای دیگر می‌باشد و خطوط مرزی ضمن تعیین حدود یک مملکت تعیین کننده وسعت و عملیات هیات حاکمه آن کشور می‌باشد و هر گونه اتفاق در مرزها بین‌المللی بدون توافق امکان پذیر نمی‌باشد. حال با توجه به عوامل و اتفاقات عمده ۱- وجود قدرت‌های نوظهور در آینده، همچنین جمعیت‌شناسی، منابع طبیعی، علم و فناوری، هویت‌های فرهنگی و اجتماعی، منازعات و شناسائی روندها و تغییرات منطقه‌ای و فراگیر شدن توسعه فناوری اطلاعات و رشد صنعتی و اقتصاد جهانی که ما امروزه شاهد آن هستیم. ۲- مهاجرت، همکاری سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای و رقابت گسترده و پیچیده جهت قدرت بین‌المللی و توزیع ناهمگون محیط و فضای جغرافیایی طبیعی و نگاهی به فروپاشی شوروی و ایجاد چند کشور مشترک با مرزهای مشخص یا جنگ یوگسلاوی و یا اتفاقات سودان و اینکه نظام بین‌الملل دستخوش تحولات عمده‌ای شده و تغییر در قدرت جهانی در حال شکل‌گیری است. به اعتقاد برخی معتقدان و تحلیل‌گران آیا تحولی در مرزها ایجاد خواهد شد و می‌توان جهانی بدون مرز و تجربه کرد. با توجه به رویکردهای جدید همانند بیومتریک، حس‌گرهای مرزی مرزهای هوشمند، هویتی، عکس برداری انگشت‌نگاری و این راهبردهای جدید مدیریتی به کنترل بیشتر مرزها انجامیده و واژه جهانی شدن بر سر زبان‌ها جاری و آن نتیجه گسترش ارتباطات بین‌المللی در تمام زمینه‌ها است و مرزها همیشه نه تنها امنیت ملت یک کشور و سرزمین را تامین می‌کند بلکه نقش عمده‌ای در مناسبات بین کشورها دارد. مقاله حاضر، روش تحقیق براساس چارچوب واحدهای سیاسی مشخص شده مسائل جغرافیای سیاسی و اطلاعات اسنادی جمع‌آوری شده، مطالعه تطبیقی و تجربه تحلیل مفاهیم و اینکه در کارکرد مرزها تغییری به وجود نخواهد آمد انجام گرفته است.

**کلید واژه‌ها:** جغرافیای سیاسی، مرز، نظام بین‌الملل، جهانی شدن، کشور.

۱- محمد حسین اقبالی زارچ (نویسنده مسئول) eghbalzarch671@yahoo.com

## مقدمه

باتوجه به سیاست در عرصه روابط بین‌الملل در خصوص مسائل جغرافیای طبیعی و سیاسی و به خصوص مرزها در عصر جهانی شدن در این خصوص لازم است که بررسی شود آیا با توجه به ملتی که در یک کشور معین زندگی می‌کنند و دارای ویژگی‌های مذهبی، قومی و فرهنگی و دارای آرمان‌های اجتماعی، نژادی، اشتراکی و غیره می‌باشند و یا اینکه جغرافیای سیاسی که به عنوان یکی از شاخه‌های جغرافیای انسانی مسایل داخلی و خارجی واحدهای سازمان یافته سیاسی رادر رابطه پدیده‌های مربوط به محیط جغرافیای طبیعی مورد بررسی قرار می‌دهد. آیا بحث جهانی‌شدن و جهانی بدون مرز و سرزمین زدائی با توجه به جامعه جهانی سرمایه‌داری، گسترش اقتصاد، توسعه تجارت و شکل‌گیری آن و مقایسه این دگرگونی دوران حاضر با دوران گذشته که شاید دولت ملی که دارای مرز سیاسی مشخص و یا کشوری که دارای سرزمین حاکمیت قلمرو با مرز سیاسی مشخص و سیاست خارجی مستقل تضعیف شود. و چنان تحول و انقلابی در مرزهای بین‌المللی انجام شود. مثل سازمان‌های بین‌المللی که از اتحاد و توافق چند کشور به وجود آمده در خود هضم و جهان را بدون مرز در نظر بگیریم. و یا اینکه مرزها را همیشگی و بدون تحول فرض کنیم.

## مرزبندی در علوم

در مرزبندی علوم و تعریف آن، علمومی که از چند علم پدید آمده و یا با چند علم مرتبط باشند از تعریف دشواری برخوردارند و نمی‌توان به سهولت تعریفی جامع و مانع ارائه نمود تا تمامی مسائل علم موردنظر را فراگیرد به خصوص اگر علم مزبور از تاریخ طولانی برخوردار نباشد، جغرافیای سیاسی نمونه‌ای خوب برای این مطلب به شمار می‌رود. ارتباط آن با جغرافیای عمومی و طبیعی از یکسو و پیوستگی آن با مسائل سیاسی از سوی دیگر، موجب می‌شود که تعاریف گوناگون پیرامون آن طرح شود و صاحب‌نظران این فن از وحدت در نظر برخوردار نباشند. جغرافیای سیاسی، شاخه‌ای از علم جغرافیا است که تأثیرپذیری و تأثیرگذاری سیاست و قدرت در محیط جغرافیایی و به بیان دیگر، تأثیر تصمیم‌های سیاسی بر محیط جغرافیایی را مورد کاوش و بررسی قرار می‌دهد. نقش ویژه جغرافیای سیاسی، سازمان‌دهی سیاسی فضا در سطح محلی، ملی و منطقه‌ای است (دره‌میرحیدر، ۱۳۷۱، ص ۱۲). در این میان برخی ژئوپولیتیک را مترادف جغرافیای سیاسی معنا کرده‌اند، اما در حقیقت؛ معنی اصلی یا بین‌المللی آن؛ رقابت بین دولت‌های قدرتمند یا همان ابرقدرت‌ها برای کسب برتری در بعدی کوچک‌تر است؛ ولی در بحث استراتژیک؛ ژئوپولیتیک به حفظ تمامیت ارضی کشورها اطلاق می‌شود. ژئوپولیتیک که به طور سنتی بر اساس اطلاعات، دیدگاه‌ها و تکنیک‌های جغرافیایی به مسائل سیاست خارجی کشورها می‌پردازد، یک نوع جغرافیای سیاسی کاربردی قلمداد می‌شود. در مجموع جغرافیای سیاسی، پدیده‌های سیاسی را در فضای درونی یک کشور مورد بحث قرار می‌دهد که به طور سنتی شامل مفاهیمی مانند مرز، ملت، حکومت و سرزمین است.

نظر به اینکه یک کشور در مرکز مطالعات جغرافیای سیاسی جای دارد و از پیوند سه عامل ملت، حکومت و سرزمین، کشور تشکیل می‌شود؛ بنابراین همه‌ی موضوعات مرتبط با این مفاهیم، مانند ریشه‌یابی مسائل قومی، جریان‌ات مهاجرت، تحلیل قدرت سیاسی نواحی شهری، تحلیل فضایی قدرت سیاسی در سطح کشور، تقسیمات

کشوری و رقابت‌های مکانی، دولت محلی، تمرکز و عدم تمرکز قدرت سیاسی جغرافیای انتخابات، از مسائلی هستند که امروزه در جغرافیای سیاسی مورد بررسی قرار می‌گیرند. از طرف دیگر، در حوزه مسائل جهانی نیز که قلمرو مطالعات ژئوپلیتیک است، به طور سنتی درباره‌ی مناسبات قدرت در سطح جهان و راه‌های دستیابی به قدرت جهانی و افزایش آن بحث و بررسی می‌شود (همان ص ۱۸).

### سیر تکوین جغرافیای سیاسی در جهان

ظهور جغرافیای سیاسی به صورت یک شاخه‌ی مسجم جغرافیای انسانی از پدیده‌های قرن حاضر است ولی این بدان معنا نیست که در گذشته فیلسوفان و نویسندگان بزرگ به تأثیرات متقابل سیاست و محیط فیزیکی توجهی نداشته‌اند. تاریخ جغرافیای سیاسی به عنوان یک رشته‌ی علمی را می‌توان به سه دوره تقسیم کرد: دوره‌ی پیشرفت از اواخر قرن نوزدهم تا جنگ جهانی دوم، دوره‌ی انزوا از دهه‌ی ۱۹۵۰ تا ۱۹۷۰ و دوره‌ی احیاء از دهه ۱۹۷۰ به بعد (پورفکوبی، ۱۳۷۴، ص ۲۷).

از نوشته‌های هرودون، افلاطون، ارسطو، منتسکیو و هگل چنین بر می‌آید که این نویسندگان، مشاهدات جغرافیایی سیاسی خود را بدون آگاهی از وجود چنین شاخه‌ی مستقلی تحت عنوان جغرافیای انسانی به رشته‌ی تحریر درآورده‌اند. سه قرن بعد از ارسطو، امسترابو، جغرافیدان یونانی رومی کتابی در هفده جلد نوشت که در واقع توصیفی از جهان شناخته‌شده‌ی آن روز بود (همان ص ۵۷ تا ۸۰). در قرون وسطی علم و دانشوری در اروپا تحت الشعاع مذهب قرار گرفت در حالی که در جهان اسلام جغرافیا در بین تاجران، مورخان، جهان‌گردان و فیلسوفان مسلمان رواج پیدا کرد. در اواخر قرن نوزدهم کارل ریتز در برلین نظریه‌ی رشد دولت را مشابه با آنچه ابن خلدون در پنج قرن پیش از آن ارائه کرده بود. مطرح کرد. دوره‌ی جدید تحول در جغرافیای سیاسی با «فردریک راتزل» آلمانی آغاز می‌شود راتزل به دلیل ارائه‌ی مفاهیم جدید در جغرافیای سیاسی، پدر این دانش شناخته شده است. هم‌زمان با رشد ژئوپولیتیک، دوره‌ی تمرکز بر روی مطالعه‌ی واحدهای سیاسی به ویژه دولت آغاز می‌شود و کم و بیش تا امروز ادامه دارد. غالب جغرافی‌دانان برجسته‌ی قرن ۲۰م با ارائه‌ی نظریات خود درباره‌ی چگونگی پیدایش و بقای دولت‌ها، در پیش‌برد این مطالعات نقش به‌سزایی داشته‌اند (شکویی، ۱۳۷۴، ص ۱۲۷).

### مسائل جغرافیای سیاسی

جغرافیای سیاسی پدیده‌های سیاسی را در فضای درونی یک کشور مورد بحث قرار می‌دهد که به طور سنتی شامل مفاهیمی مانند مرز، ملت، حکومت و سرزمین است (حافظ‌نیا، ۱۳۸۰، ص ۴۲). در زیر به توضیح هر یک از مفاهیم بالا اشاره می‌گردد:

#### ۱) وسعت کشور

طبقه‌بندی کشورها از نظر وسعت به دلیل گستره‌ی بسیار وسیع آن‌ها، چندان مفید به نظر نمی‌رسد. به علاوه، وسعت به تنهایی و بدون توجه به جمعیت و چگونگی پراکندگی آن موقعیت جغرافیایی و ویژگی‌های فیزیکی سرزمین (آب و هوا، ناهمواری و منابع طبیعی) نمی‌تواند معیاری برای قدرت باشد. بنابراین میزان ارضی یک کشور در قوت و ضعف آن موثر است. وسعت یک کشور می‌تواند در مواردی موجب تقویت آن سرزمین گردد. معمولا

وسعت زیاد یک دولت، با این تصور که از نظر آب و هوا و منابع طبیعی دارای تنوع بیشتری بوده و از نظر دفاعی و نظامی هم نسبت به کشورهای کم وسعت برتری دارد، به عنوان عامل قدرت مطرح می‌شود. اگر کشوری در برگیرنده‌ی اراضی وسیع غیرقابل کشت و خالی از سکنه باشد و جمعیت آن به واسطه‌ی کوهستانی و صعب‌العبور بودن مناطقش، از یکدیگر جدا افتاده باشند، اداره‌ی چنین کشوری نیاز به تأسیسات زیربنایی دارد، که این امر مستلزم هزینه‌ی زیادی است. دولت‌هایی که سرزمین آنها به صورتی است که زمین‌های وسیع خالی از سکنه میان مناطق پر جمعیت و حاصل خیز آن فاصله انداخته است، مثل منطقه‌ی «سپر» کانادا، سعی دارند با تشویق مردم به سکونت در مناطق بکر، آثار منفی این وضع را جبران کنند. نتیجه اینک، بزرگی یا کوچکی وسعت سرزمین، به خودی خود، دلیل قدرت یا ضعف آن نیست بلکه نکته مهم این است که آیا سرزمین می‌تواند تأمین‌کننده‌ی نیازهای مردم خود باشد یا نه، و برخورد مردم نسبت به سرزمین خود و بهره‌برداری از آن چگونه است؟ (مجتهد زاده، ۱۳۸۱، ص ۱۴۷).

## ۲) موقعیت ریاضی کشور

موقعیت ریاضی یک کشور بر روی کره‌ی زمین به معنی دوری و یا نزدیکی آن کشور از خط استوا است. دوری و یا نزدیکی کشور به خط استوا در آب و هوای کشور اثرگذارده و گرمی و سردی و یا تعادل هوا را موجب می‌گردد. گروهی از دانشمندان قدیم و جدید به تأثیر آب و هوا در تربیت و شخصیت فکری روحی ساکنان نواحی پافشاری کرده و جمعی از آنان پا فراتر نهاده و آن را تنها عامل ساختن شخصیت‌ها و تمدن‌ها دانسته‌اند. به عنوان نمونه از ارسطو نقل شده است. مردم سرزمین‌های سردسیر به ویژه در اروپا بیشتر دلیر اما کم‌هوش و کم‌هنرند. آسیائیان هوشمندتر و هنرمندتر اما از دلبری بی‌بهره‌اند. یونانیان که میان این دو سرزمین زیست می‌کنند از حصائص هر دو بهره دارند. هم دلیرند و هم هوشیار (ارسطو، ۱۳۵۸، ص ۸۴).

منتسکیو نیز تأثیرگذاری آب و هوا بر شخصیت انسانی و تمدن‌ها را مورد تصریح قرار داده و می‌نویسد: صفات روحی و عواطف قلب انسانی در اثر آب و هواهای مختلف تفاوت دارند (منتسکیو، ۱۳۷۰، ص ۵۶).

## ۳) موقعیت نسبی کشور

موقعیت نسبی کشور به معنای جایگاه خارجی یک کشور است که با داشتن موقعیت‌های مناسب از اهمیت بین‌المللی و جهانی برخوردار می‌گردد. به عبارت دیگر اگر سیاست ملی بر محیط تأثیر بگذارد در بعد مکانی جای خواهد گرفت و اگر سیاست‌های جهانی بر منطقه تأثیری ژرف گذارد در بعد فضائی مطرح خواهد شد. نمونه‌ای از موقعیت‌های نسبی کشورها به شرح زیر است: مجاورت با همسایگان قدرتمند، موقعیت در کناره‌ی تنگه‌ها (حافظ نیا، ۱۳۷۶، ص ۳۰)، مراکز تبادل و ارتباط تمدن‌ها و فرهنگ‌ها و همچنین موقعیت کشور نسبت به راه‌های آبی (وزینی، ۱۳۸۱، ص ۳۱۵).

## ۴) مرزهای سیاسی بین‌المللی

مرزهای سیاسی مهم‌ترین عامل تشخیص و جدایی یک واحد مشکل سیاسی از واحدهای دیگر است. خطوط مرزی، خطوطی اعتباری و قراردادی هستند که به منظور تجدید حدود یک واحد سیاسی بر روی زمین مشخص می‌شوند. بنابراین، مرزها از بحث‌های اصلی و مهم جغرافیای سیاسی به شمار می‌روند. چنانچه منظور از واحد

سیاسی دولت باشد. خطوطی که سرزمین یک دولت را از دولت همسایه جدا می‌سازند، به مرزهای بین‌المللی معروفند.

مرزهای بین‌المللی، در شکل‌دهی مناسبات سیاسی و اقتصادی میان دولت‌ها نقش برجسته‌ای به عهده دارند. مرزها کنش متقابل مرزنشینان را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهند. شکوفایی و زوال شهرها و حوزه‌ی نفوذ آنها در مجاورت مرز بستگی به این دارد که خط مرزی نقش‌های جدیدی برای آنها پدید آورد و یا بر عکس، حوزه‌ی طبیعی آنها را برهم زند (شکوهی، پیشین ص ۱۸۴). تعیین خط مرزی در سه مرحله انجام می‌گیرد:

(۱) تفاهم بر سر مکان تقریبی مرز؛

(۲) تجدید حدود؛

(۳) علامت‌گذاری روی زمین؛

مرحله‌ی نخست، نشانگر تفاهم اولیه‌ی دولت‌ها درباره‌ی ادعای ارضی آنهاست. در این مرحله، خطوط به طور تقریبی روی نقشه ترسیم می‌شوند ولی هنوز نقشه‌برداری دقیق از محل صورت نگرفته است. در مرحله‌ی دوم، خط مرزی به طور دقیق تعریف می‌شود و رسماً مورد موافقت دو دولت ذی‌ربط قرار می‌گیرد. اگر خط مرزی هندسی نباشد، نقشه‌برداری محلی صورت می‌گیرد تا موضع مرز از نظر ناهمواری‌ها مشخص گردد. مرحله‌ی سوم، مرحله علامت‌گذاری است. به این معنی که خط مرزی که از پیش تعیین حدود شده، روی زمین پیاده و علامت‌گذاری می‌شود (مجتهد زاده، پیشین، ص ۱۸۳).

### ویژگی‌های جغرافیای سیاسی

جغرافیای سیاسی دارای ویژگی‌های چون پویایی، مرزبندی ویژه و سوگیری جریان‌های سیاسی می‌باشد که در ادامه به توضیح هر یک از این ویژگی‌ها می‌پردازیم:

(۱) پویایی، فضای سرزمینی جغرافیای سیاسی در مقایسه با فضای تقریباً ثابت جغرافیای سنتی، از تحرک و پویایی برخوردار است. زیرا با توجه به سیاست‌های دولت‌ها و جهت‌گیری نظام‌های سیاسی مستقر در سرزمین‌ها، فضای سرزمینی جغرافیای سیاسی از اهمیت بالایی برخوردار بوده و همواره به همراه تغییرات سیاست دولت‌ها تغییر کرده و محدوده‌ی جدیدی را شامل می‌گردد.

(۲) مرزبندی ویژه، مرزهای مناطق جغرافیای سیاسی، برعکس مرزبندی‌های رایج و نمایان در جغرافیای سنتی، براساس مناطق نفوذ و قدرت کشورها شکل می‌گیرد، که این امر نیز با توجه به قدرت سیاسی و اقتصادی دولت‌ها قابل تعریف می‌باشد، به عبارت دیگر قدرت‌هایی چون آمریکا، مرزبندی‌های خود را در ورای مرزهای سرزمینی خود تعیین کرده‌اند و با توجه به سیاست‌های خارجی دولت، امنیت جهانی را امنیت داخلی آمریکا قلمداد می‌کنند، اما دولت‌هایی نظیر واتیکان مرزبندی‌های سیاسی‌شان حتی از مرزهای سرزمینی‌اش نیز کمتر می‌باشد، چرا که در چارچوب تحولات داخلی کشور ایتالیا همیشه دچار تغییرات بنیادین و قابل ملاحظه‌ای می‌گردد (زرقانی، ۱۳۸۶، ص ۱۸۳).

(۳) سوگیری جریان‌های سیاسی، بر خلاف جغرافیای سنتی که از شمال-جنوب، شرق-غرب و نظیر آن تشکیل شده بود در جغرافیای سیاسی بیشترین توجه به شمال-جنوب و مرکز-پیرامون است. به عبارتی دولت‌های قدرتمند

همواره با سیاست‌های خود سایر دولت‌های جامعه‌ی جهانی را با خود همسو کرده و در قالب دولت‌های همسو و غیرهمسو با منافع مشترک و متقابل تقسیم می‌گردند (مجتهدزاده، پیشین، ص ۱۸۳).

## مرز

مرز خط جداکننده یک واحد فضایی یا گروه از دیگری است مرزهای فضایی اجتماعی به وسیله فعالیت‌های اجتماعی بصورت دقیق تا مبهم به وجود می‌آیند که بستگی به نوع فعالیت‌های اجتماعی دارند. برای مثال مرزهای سیاسی کشیده می‌شوند تا سرزمین یک حکومت را تجدید حدود نمایند نشانه‌گذاری دقیق محدوده حکومت بستگی به صلاحیت و حاکمیت آن حکومت دارد (علی بابایی، ۱۳۶۹، ص ۲۰۸). همیشه مرزها از جمله پارامترهای اصلی در جغرافیای سیاسی بوده‌اند کارکرد مرزها به گونه‌ای سنتی ایجاد مانع در مقابل حرکت بوده تا ایجاد پلی برای تماس مرزها به طور کلی و بنا به رویه به مثابه ساز و سازی نهادینه شده‌اند تا در مقابل آنچه در داخل است حمایت کنند و هر آنچه از خارج می‌آید مانع شود. اما مرز پدیده‌های دائمی است که در مقابل جابجایی نشان اندیشه و کالا می‌تواند هم نقش بازدارندگی هم نقش همکاری را بین دو دولت داشته باشد (حافظ‌نیا، ۱۳۸۱).

## خطوط مرزی

خطوط مرزی خطوطی است فرضی و قرار دادی که به منظور تجدید حدود یک واحد سیاسی بر روی زمین مشخص شده است چنانکه منظور از واحد سیاسی یک کشور باشد در آن صورت خطوط که اراضی یک کشور را از کشور همسایه جدا می‌سازد مرزهای بین‌المللی خوانده می‌شود که در بین مرزها مختلف مرزهای بین‌المللی بیش از سایرین امکان ایجاد اختلاف وجود دارد از این لحاظ شایان توجه و مطالعه بیشتری بوده و بررسی چگونه به وجود آمدن؟ طرز کار و تقسیم‌بندی اینگونه مرزها از مباحث مهم جغرافیای سیاسی به شمار می‌آید.

## مرزهای سیاسی

مرزهای سیاسی عبارت از علائم و خطوط قراردادی هستند که از طریق خشکی با آب محدوده‌ای سیاسی کشورها را از هم جدا می‌کند و انواع مرزها سیاسی عبارتند:

۱- مرزهای خشکی که از طریق خطوط فرضی منطبق بر عوارض طبیعی یا غیر طبیعی تعیین می‌گردند و در صورتی که از رودخانه بگذرد خط مرزی عمیق‌ترین نقطه کف رودخانه را مرز به شمار می‌آورند.

۲) مرزهای دریایی که در تعیین حدود که در تعیین حدود آن نظریه‌های زیادی وجود دارد بر طبق قوانینی مربوط به قرن ۱۸ میلادی مرز دریائی را با اندازه تیررس توپ تعیین کرده‌اند. لیکن بعدها این حد تیررس به سه میل دریائی (مرمیل برابر با ۱۸۵۲) تغییر یافت. و مسافت آن نیز تقریباً برابر سه مایل دریائی می‌باشد لیکن برخی کشورها حدود دریائی را از ساحل تا فواصل ۴-۶ و ۱۰ و ۱۲ و حتی ۲۰۰ مایل دریائی می‌دانند. بدیهی است که اعمال هرگونه تغییرات رسمی در تعیین حدود دریائی ممکن است در مسیر تنگه‌ها و گذرگاه‌های دریائی مشکلات زیادی به وجود آورد (عزتی، ۱۳۶۱).

۳) مرزهای هوایی هر چند تاکنون در موارد زیادی از مرزهای هوایی بین کشورها صحت می‌شود لیکن هیچ ضابطه معینی برای تعیین مرز هوایی مورد توافق قرار نگرفته است. بطور کلی کشورها خطوط عمودی فرضی از مرزهای زمینی و دریائی خود را مرز هوایی قلمداد می‌کنند که پرواز هواپیماهای بیگانه در آن مستلزم توافق قبلی است (عزتی و مشیری، ۱۳۶۱).

### جایگاه حقوقی سرزمین

اگر تاریخ اقوام و ملل مختلف را بررسی نمائیم، به این نتیجه می‌رسیم که ملل اولیه بدلیل کوچ کردن از محلی به محل دیگر و شیوه زندگی چادرنشینی برای سرزمین بعنوان یکی از عوامل تشکیل‌دهنده کشور ارزش چندانی قائل نبودند. به تدریج با سکونت دائمی در بعضی مناطق، مفهوم مالکیت ارضی شکل گرفت و علاقه‌مندی به ثبات و سکونت در سرزمین آباء و اجدادی در افراد ملل مختلف امری الزامی گردید، به صورتی که نوعی احساس مالکیت جمعی و غیرقابل انتقال نسبت به سرزمین به وجود آمد. از این پس، سرزمین به عنوان یکی از اساسی‌ترین ارکان تشکیل‌دهنده کشور در آمد و یکی از عوامل همبستگی اقوام و نژادهای مختلف واقع در کشور که دارای تاریخ و آرمان‌های مشترک بودند را تشکیل داد. علاقه‌مندی بر سرزمین منبعد چنان در بین ملل مختلف توسعه می‌یابد که برای پاسداری و حفظ تمامیت آن از بذل جان و مال خود دریغ نمی‌نمودند و آن‌را امری افتخارآمیز تلقی می‌کردند که این روند تاکنون نیز ادامه داد.

امروزه در رابطه با سایر عناصر تشکیل‌دهنده کشور، سرزمین یا قلمرو بعنوان عامل مادی و اساسی تشکیل دولت در عرصه بین‌المللی شناخته می‌شود. سرزمین محدوده قدرت سیاسی هر دولت را تعیین می‌نماید به عبارت ساده‌تر حوزه اقتدار آن دولت را مشخص می‌نماید. اصل حاکمیت سرزمینی بعنوان یکی از اصول شناخته شده حقوق بین‌الملل بیانگر این امر است که هر دولت صرفاً در قلمرو زمینی، دریائی و هوائی خود می‌تواند حاکمیت داخلی و بین‌المللی را اعمال نماید و فراتر از آن به دلیل تساوی حاکمیت سرزمین کشورها هیچ اقتداری ندارد. با توجه به موارد فوق موضوع حفظ تمامیت ارضی و قلمرو هر کشور یکی از مسائل مورد توجه دولت‌ها و افراد ملت است که حساسیت زیادی نسبت به آن وجود دارد (ضیایی، ۱۳۸۰). البته بعضی نویسندگان متخصص در جغرافیایی سیاسی معتقدند که جهان امروز روندی را طی می‌کند که نه به لحاظ سرزمینی بلکه به لحاظ فضائی در حال تقسیم شدن است. لذا حاکمیت از سرزمین به فضا منتقل گردیده و مفهوم حقوقی امروزی حاکمیت که خاص دولت‌های ملی است به حاکمیت‌های عملکردی که خاص نظام‌های فضا منطقه‌ای است تغییر یافته و به تبع آن حقوق حاکمیت نیز باید بازنویسی شود. لذا جغرافیایی سیاسی با توجه به روند جهانی شدن که تضعیف حاکمیت‌های ملی و کمرنگ شدن مرزهای بین‌المللی و افول تدریجی حاکمیت کشورها را در بر دارد، در آینده دچار دگرگونی خواهند شد (فصلنامه سیاست خارجی وزارت امور خارجه بهار ۱۳۸۹).

### پدیده مرز در حقوق بین‌الملل

در اصطلاح حقوقی به محدوده‌ای که در آن اعمال قدرت سیاسی یا حاکمیت سرزمین هر کشور متوقف می‌شود مرز گفته می‌شود.

مرز در حقیقت پدیده‌ای است که حدفاصل حاکمیت دو یا چند کشور همجوار را معین می‌کند. در دو طرف یک مرز دولت‌های مستقلی وجود دارند که از لحاظ قوانین و مقررات و نحوه اداره یک کشور قواعد مخصوص به خود را دارند. به همین دلیل، حقوق اشخاص در روابط بین‌المللی با پدیده مرز ارتباط نزدیک دارد. معین بودن قلمرو زمینی و دریائی هر کشور باعث مشخص شدن خود قدرت آن کشور و تقویت اقتدار داخلی آن است. لذا، تعیین حدود مرزی در حقوق بین‌الملل از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (هاشمی، ۱۳۷۹).

تحلیل: با توجه به تعریف مرز در حقوق بین‌الملل هر کشور باید برای حفظ حاکمیت سیاسی در قلمرو سرزمینی، حفظ منابع کشور و ملت و امنیت داخلی و بین‌المللی و رسیدن به اهداف ملی دارای استراتژی خاص از لحاظ داخلی و بین‌المللی با توجه به موقعیت جغرافیای طبیعی خاص خود باشد (گردآورندگان).

استراتژی در جهت اهداف ملی و بین‌المللی:

استراتژی عبارت از بکارگیری و داشتن تفکری به منظور بهره‌گیری از همه امکانات و شرایط حتی به صورت خشونت برای جامعه عمل پوشاندن خود است.

#### استراتژی ملی

استراتژی ملی عبارت از بسیط همه جانبه نیروها و امکانات و شرایط برای رسیدن به اهداف ملی شامل: (۱) حیاط ملی (۲) منافع ملی که حیات ملی از اهمیت آن بیشتر از منافع ملی است.

#### اهداف ملی

اهداف ملی که سود و زیان آن تمام افراد جامع را بر گیرد شامل:

۱) استراتژی نظامی

۲) استراتژی سیاسی

۳) استراتژی اقتصادی

۴) استراتژی تبلیغات فرهنگی

و بعد از اتحاد دو آلمان و فروپاشی دیوار برلین اهداف ملی شامل مورد ذیل:

۱ - اقتصادی ۲ - سیاسی ۳ - تبلیغات ۴ - نظامی ۵ - نظام نوین جهانی می‌باشد

(عزتی، جزوه درسی ۱۳۷۶).

#### آیا جهانی شدن اتفاقی در مرزهای بین‌المللی ایجاد می‌کند؟

جهان امروز پر از شیفته‌گانی است که مدعی‌اند شکل تازه‌ای از جامعه انسانی در حال با در نظر گرفتن جامعه سرمایه‌داری جهانی گسترش اقتصاد توسعه تجارت در حال سر بر آوردن است و این دگرگونی دوران حاضر را با دوران گذشته مقایسه می‌کنند که شاید دولت ملی دارای مرز سیاسی مشخص می‌باشد را تضعیف کند این کشور دارای سرزمین است دارای حاکمیت مستقل و سیاست خارجی مستقل می‌تواند چنانچه تحولی و انقلابی بطور کلی در مرزهای بین‌المللی انجام شود مثل سازمان‌های بین‌المللی که از اتحاد و توافق چند کشور به وجود آمده در خود



هضم و مرزها و جهان را بدون مرز در نظر بگیرد و یا اینکه مرزها را همیشگی و بدون تحول فرض می‌کند حال اگر فرض بر فراموشی مرزها و به اعتقاد بر جهانی مدرن ژئوپلیتیک باشد و به فرض کشورها بدون تحول فرض می‌کند حال اگر فرض بر فراموشی مرزها و به اعتقاد بر جهانی مدرن ژئوپلیتیک باشد و به فرض کشورها بدون مرز تصور شود دولت از بین می‌رود و ملت‌ها ترسیم می‌شوند با توجه به اخبار و اطلاعات منشر می‌شود و رویکرد کنترل مرزها همانند بیومتریک مرزهای هوشمند که بیومتریک روش خود کارشناسانی انسان‌هاست که بر مبنای شاخص و رفتار یا فیزیک منحصر به فرد و شخصی افراد است که این خصوصیات شامل چهره اثر انگشت هندسه دست خط شبکیه چشم و نوع صدا می‌باشد در واقع شناسایی افراد بر مبنای اشکال تغییر ناپذیر حتی تصویربرداری از انسان هنگام ورود به کشور ثالث ابداع و در خیلی کشور در حال اجراء می‌باشد به تقویت بیشتر مرزها در زمینه کنترل و مدیریت انجامیده و به تعبیری مرزسازی مجدد اتفاق افتاده است (فصلنامه سیاست خارجی ۱۳۸۹).

وجه ((جهانی)) شدن کدام است ؟

در اصطلاح مفهوم جهانی شدن به عنوان فراگذشتن (و نه صرفا گذشتن یا گشودن مرزها)

در جهانی شدن معمولا به نحوی از انجا مسئله مرز یعنی حدود و ثغور سرزمینی صلاحیت‌های دولت‌ها و موضوعات حکمرانی؟ اقتصادی هویت و همیشگی را که با آن در ارتباط است برجسته می‌سازند. حول این مضمون مرزها می‌توان سه برداشت رایج از اصطلاح (جهانی شدن) را از هم متمایز ساخت. برداشت نخست جهانی شدن را به معنی افزایش مناسبات دو سوی مرزها می‌گیرد.

برداشت دوم جهانی شدن را افزایش مناسبات مرزها گشوده می‌داند. و سومین برداشت جهانی شدن را به معنی افزایش مناسبات فرامرزی می‌داند گرچه این برداشت‌های سه‌گانه همپوشی‌هایی با هم دارند. در عین حال به لحاظ کیفی بر نقاط مختلفی تأکید دارند و برداشت سوم از همه نو تر است. و مشخص‌ترین و سودمندترین بینش را درباره امور جهان معاصر به ما می‌بخشد. و برداشت این است که جهانی شدن متضمن فراگذشتن فزاینده از مرزهاست. اصطلاح جهانی شدن در سطح بین‌الملل فقط نامی از آن برده می‌شود با توجه به اینکه سطوح فعالیت از این سو به آن سوی مرزها در سراسر تاریخ روابط بین‌الملل از زمانی به زمان دیگر افزایش و کاهش یافته است (ولینکلیر ، ۱۳۸۶، ص ۴۷۲).

**جهانی شدن (جامعه جهانی و داخلی)**

جهانی شدن فرایندی اجتماعی است که در آن قید و بندهای جغرافیای که بر روابط اجتماعی و فرهنگی سایه افکنده از بین می‌رود و مردم به طور فزاینده از مزایای کاهش این قید و بندها آگاه می‌شوند. و برخی محققان می‌گویند جهانی شده یک پدیده محسوب می‌شود (نهامندیان، ۱۳۸۳، ص ۱۸).

**بیومتریک**

باتوجه به اخبار و اطلاعات منتشر شده و رویکرد کنترل مرزها همانند بیومتریک، مرزهای هوشمند و حتی تصویربرداری از انسان و انگشت نگاری، هویت‌شناسی هنگام ورود به کشورهای ثالث و اجرای آن در خیلی از

کشورها در حال حاضر به تقویت بیشتر مرزها در زمینه کنترل و مدیریت انجامیده و به تعبیری مرزسازی مجدد اتفاق افتاده است (فصلنامه سیاست خارجی ۱۳۸۹).

در جهانی که به طور فزاینده در حال تقسیم میان طبقه فقیر و غنی است. مثل اروپا که هم‌اکنون توده محروم جهان سوم را محاصره کرده و به یک دژ امتیاز تبدیل شده، به خصوص در مرزهای داخلی آن اتحادیه که مردم آن کشورها در جهت کالاها خدمات و سرمایه آزادانه حرکت کنند. ولی در جهت مخالف تلاش‌هایی صورت گرفته، تا مرزهای خارجی مشترک تقویت تا ورود مهاجران و اقامت پناهجویان دشوار شود (مویر، ۱۳۷۹، ص ۲۲۲).

این نوع نگرش شالوده بحث‌ها و گفتگوها در نشست‌های مخفی بوده است. که اکنون توسط مقامات بلند پایه اروپایی بخصوص در سطح وزرای آن اتحادیه که هدف از آن تهیه سیاست مشترک در مورد مهاجرت به طور عام و پناهندگان به طور خاص بوده است (مارفلیت، ۱۳۸۰، ص ۸۵).

### تحلیل

حال اگر فرض بر فراموشی مرزها و به اعتقاد بر جهانی مدرن ژئوپلتیک باشد و به فرض کشورها بدون مرز تصور شود دولت از بین می‌رود و ملت‌ها ترسیم می‌شوند. با توجه به اخبار و اطلاعات منتشر شده و رویکرد کنترل مرزها همانند بیومتریک مرزهای هوشمند و حتی تصویربرداری از انسان هنگام ورود به کشورها ثالث و اجرای آن در خیلی از کشورها در حال حاضر به تقویت بیشتر مرزها در زمینه کنترل و مدیریت انجامیده است و این نشانه جایگاه ویژه مرز در بین کشورها است و کلمه جهانی شدن تغییری در مرزها ایجاد نکرده بلکه مرزها بیشتر تقویت شده است (گردآوردندگان).

### مشخصات جامعه بین‌المللی و تفاوت آن با جامعه داخلی

باتوجه به مشخصات جامعه بین‌المللی و تفاوت آن با جامعه داخلی که جامعه جهانی مرکب از کشورهای مستقل و مختلفی است که با یکدیگر روابط گوناگون سیاسی، اقتصادی و فرهنگی دارند. در کنار یکدیگر زندگی می‌کنند. و به دلیل اینکه جامعه جهانی مرکب از کشورهای مستقل می‌باشد. دارای ویژگی‌های چندی و اصولاً جامعه‌ای غیر متشکل، ناهمگون و غیر واحد می‌باشد. که هر یک از این کشورها دارای منافع مختلف و اهداف متفاوت می‌باشد و هیچگونه مرکز واحدی برای جامعیت حاکمیت ندارند. بر عکس جامعه داخلی یا کشورها به تنهایی با مرزهای مشخص مرکب از افرادی که در تحت لوایح یک حکومت بوده و وفاداری خودشان نسبت به یک اصول مشترک که در واقع همان همبستگی ملی است ابراز می‌دارند. عدم تشکیل کشورها در جامعه جهانی از نظر بسیاری دانشمندان نظیر هایس ناشی از اصل تثبیت قدرت و مرکز تصمیم‌گیری واحد که بتوان کشورها را ملزم به تبعیت از قوانین بین‌المللی و عهدنامه‌های بین‌المللی و حضور در دادگاه‌های بین‌المللی نمود می‌باشد. ولی بر خلاف آن در جامعه داخلی الزام به رعایت مقررات و قوانین و باوجود قوه قضائیه بدون رضایت شخص امری بدیهی می‌باشد (ضیاء بیگدلی، ۱۳۶۸).

## نتیجه‌گیری

اول اینکه :

باید گفت هر کشور برای حفظ حیات و منافع ملی و تمامیت ارضی با توجه به مرزهای یاد شده فوق که به عنوان یک واحد سیاسی یک کشور از کشور دیگر جدا می‌کند، و حفظ استقلال در جامع بین‌الملل و تامین منافع کشور و فراهم نمودن رفاه اقتصادی و اجتماعی و امکانات دیگر برای ملت دارای اهداف ملی باشد. و با توجه به اینکه در حال حاضر در جامعه جهانی تغییرات به سرعت در حال انجام گرفتن است و ممکن است هر لحظه شاهد دگرگونی در سطح روابط بین‌الملل باشیم، برای حفظ منافع ملی و داشتن قدرت برتر اقتصادی، سیاسی، فنی و تکنولوژی در همه زمینه‌ها و قدرت نظامی از پیروی اصول و قواعد استراتژیک هدفدار ضروری است. و با توجه به مطالب فوق الذکر و عدم وجود اصل تساوی کشورها در روابط بین‌الملل و موازنه قدرت در جامعه بین‌الملل و رقابت کشورها برای به دست آوردن منافع بیشتر جهت استمرار حکومت و موقعیت جهانی و رفاه افراد جامعه، و تفاوت جامعه داخلی و بین‌المللی با یکدیگر و تحولات صورت گرفته منطقه در حال حاضر حفظ مرزها به عنوان یک واحد متشکل سیاسی حتی اگر کشور فاقد هرگونه وحدت طبیعی باشد. به خاطر دفاع از موقعیت و تمامیت ارضی و استقلال کشور و حفظ منافع و اهداف ملی در راس آن امنیت ملی برای جمعیت مستقر در قلمرو سرزمینی امری بدیهی، و با در نظر گرفتن هدف و توسعه جغرافیای سیاسی دولت‌ها و ساختار داخلی و بعد جهانی محیط طبیعی هویت و گرایش‌ها سیاست انتخابی و دموکراسی، تعارض قدرت، سیاست و توسعه ناهماهنگ پدیده‌ها در محیط سرزمینی کشورها در بعد اقتصادی و تکنولوژی و ارتباطات و آزادسازی در خصوص سرمایه‌گذاری و اتخاذ سیاست‌های سخت‌گیران در خصوص ورود اتباع کشورها به سرزمین یکدیگر با توجه به اینکه هر روز مقررات سختی نسبت به قبل وضع می‌گردد جهانی بدون مرز امکان پذیر نمی‌باشد.

دوم اینکه :

یک کشور در مرکز مطالعات جغرافیای سیاسی جای دارد و از پیوند سه عامل ملت، حکومت و سرزمین کشور تشکیل می‌شود: بنابراین همه‌ی موضوعات مرتبط با این مفاهیم، مانند ریشه‌یابی مسائل قومی، مسائل فرهنگی جامعه، جریان‌ات مهاجرت، تحلیل قدرت سیاسی نواحی شهری، تحلیل فضایی قدرت سیاسی در سطح کشور، به خصوص توسعه اجتماعی و اقتصادی در جهت رفاه ساکنین مرزی هر زمان بایستی مورد بررسی تجزیه و تحلیل مدیران با تجربه و سیاستمداران قرار می‌گیرد. و با استفاده از منابع و موقعیت طبیعی و فضایی کشور و تجربیات اساتید، نخبگان عملی، فنی و اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و مدیران با تجربه اهل فن و مطالعات عمیق جوامع بین‌المللی و تدبیر حاکمان حکومت و دولتمردان و تعامل سازنده در روابط بین‌الملل با کشورها به خصوص همسایگان با در نظر گرفتن امنیت ملی در جهت حفظ موقعیت سرزمینی، امنیت و آرامش جامعه که مهم‌ترین رکن اساسی و ضروری برای زندگی انسان از شخص، خانواده قوم، محله شهر و جامعه گرفته می‌باشد و تا حفظ مرزها و رسیدن به اهداف و منافع ملی تلاش نمایند.

ضمناً باید به این نکته توجه داشت که در حال حاضر جامعه بین‌المللی از لحاظ قدرت و سیاست بطور کلی آنقدر پیچیده شده که پیش‌بینی برای آینده جوامع بشری کمی سخت به نظر می‌رسد.

سوم اینکه:

با توجه مطالب ذکر شده در خصوص مرز و جایگاه آن در جغرافیای سیاسی صیانت از مرزها و حفظ استقلال و تمامیت ارضی یکی از اساسی‌ترین وظایف دولت‌ها در عصر حاضر است. یکی از عوامل تأثیرگذار بر روابط کشورها با یکدیگر مسئله تحدید حدود مرزی است. از زمان‌های قدیم اختلافات مرزی یکی از علل بروز تنش در روابط کشورها بوده است که حتی در مواردی منجر به جنگ بین دولت‌ها شده است. بر این اساس، کشورها در قراردادهای دوجانبه با همسایگان خود سعی نموده‌اند. مرزهای زمینی، دریائی و هوائی خود را مشخص نمایند. به‌صورتیکه در حال حاضر مرزهای کشورها توسط مراجع بین‌المللی از جمله سازمان ملل متحد به رسمیت شناخته شده است. لذا امکان تغییر مرز در روابط بین‌المللی بر اساس هجوم نظامی و تسخیر اراضی یک کشور در حقوق بین‌الملل مردود شناخته شده است. در مقابل، کشورها در روابط دو یا چندجانبه و با عنایت به مصالح و منافع ملی خود امکان تغییر خطوط مرزی خود در موارد استثناء با موافقت سایر کشورهای همسایه دارا می‌باشند. امروزه بدلیل تحولات ژئوپلیتیک و اتحاد یا جدائی کشورها و پدیده جهانی شدن اقتصاد و مواردی از این قبیل، ضرورت تغییر در خطوط مرزی بعضی کشورها امری اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسد. در توجیه این امر می‌توان گفت که وضعیت بعضی خطوط مرزی به دلایل متعددی همچون دلایل طبیعی، سیاسی، نظامی و غیره ممکن است مشکلاتی را در روابط دو کشور بوجود آورده که بازهم کشورها دارای مرز مشخص می‌باشند.

چهارم اینکه:

با توجه به سیاست در عرصه روابط بین‌الملل در خصوص مسائل سیاسی به خصوص مرزها در عصر حاضر و کاربرد کلمه جهانی شدن، آیا ملتی در یک کشور معین زندگی می‌کنند. و دارای ویژگی‌های وحدتی، مذهبی، قومی، فرهنگی و دارای آرمان‌های اجتماعی و نژادی و غیره می‌باشند. و این ویژگی‌ها در سایر کشورهای جهان با هم فرق دارد و اینکه جغرافیای سیاسی به عنوان یکی از شاخه‌های جغرافیای انسانی مسایل داخلی و خارجی واحدهای سازمان یافته را در رابطه پدیده‌های مربوط به محیط جغرافیای طبیعی که برای کشورها ایجاد شده مورد بررسی قرار می‌دهد و موقعیت هرکشوری متفاوت با یکدیگر است. در کارکرد مرزها تعییری ایجاد خواهد شد (گردآورنده).

منابع

اخباری، محمد (۱۳۸۲). **جهانی شدن و تحول در مفهوم مرزها**. خلاصه مقالات همایش مرزها دانشکده مدیریت دانشگاه تهران تیرماه ۱۳۸۲،

ارسطو (۱۳۵۸). **سیاست**. ترجمه‌ی. حمید عنایت. تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی،

پور فکویی، علی (۱۳۷۴). **نگاهی به مسائل ژئوپلیتیک جهان معاصر**. تهران: وافق،

حافظ نیا، محمدرضا (بی تا). **جغرافیای سیاسی ایران**. تهران: سمت،

\_\_\_\_\_ (۱۳۷۶). **خلیج فارس و نقش استراتژیک تنگه‌ی هرمز**. تهران: سمت،

دره میرحیدر (بی تا). **مبانی جغرافیای سیاسی**. تهران: انتشارات سمت،

زرقانی، هادی (۱۳۸۶). **مقدمه‌ای بر شناخت مرزهای بین‌المللی**. تهران: انتشارات دانشگاه علوم انتظامی تهران،

- شکویی، حسین (۱۳۷۴). *جغرافیای کاربردی و مکتب‌های جغرافیایی*. مشهد: آستان قدس رضوی، ضیائی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۸۰). *حقوق بین الملل عمومی*. تهران: انتشارات گنج دانش، عزتی، عزت‌اله و مشیری، رحیم (۱۳۶۱). *دانشکده افسری*. جزوه درسی.
- علی بابائی، غلامرضا (۱۳۶۹). *فرهنگ علوم سیاسی ایران*. تهران: بی‌نا، مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۱). *جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی*. تهران: سمت، منتسکو (۱۳۷۰). *روح القوانین*. ترجمه علی اکبر مهتدی. تهران: امیرکبیر، وزینی، صدوق (۱۳۸۱). *کلیدهای ژئوپلیتیک*. تهران: دانشگاه شهید بهشتی،

Archive of SID